

ما از عدالت سهمی داریم
سازمان حقوق بشر ایران

سال چهارم شماره ۱۰۱

۲۵ اردیبهشت ۱۳۹۷ / ۱۵ می ۲۰۱۹

حقوق ما

نقد طرح مجلس برای اصلاح تبصره ذیل ماده ۴۸



ما از عدالت سهمی داریم

دو هفته نامه الکترونیکی تخصصی حقوق بشر

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: سازمان حقوق بشر ایران/ محمود امیری مقدم

سردبیر این شماره: مریم غفوری

تحریریه: احسان حسینزاده، فیروزه رمضانزاده (تمام مصاحبه‌ها)

صفحه‌بندی: ماهور خوش‌قدم

تماس با مجله: mail@iranhr.net

حقوق ما در ویرایش مطالب آزاد است

یادداشت هایی که از روزنامه نگاران و اشخاص دریافت می شود نظر شخصی آنان است و دیدگاه مجله حقوق ما نیست

طرح اصلاح تبصره ماده ۴۸، گامی دیگر در جهت
نقض حقوق متهم

اصلاح تبصره ماده ۴۸؛ «رفتند ابرو را درست کنند،
چشم را کور کردند»

اجرای تبصره اصلاحی ماده ۴۸ نیز تبعات منفی
به همراه خواهد داشت

اصلاح تبصره ذیل ماده ۴۸ قدم مثبتی است

تبصره ماده ۴۸ با قانون اساسی در
تضاد است

محدودیت دسترسی به وکیل، مغایر اصل ۳۵
قانون اساسی است

موجبات نقض قانون اساسی را فراهم خواهد آورد. بر اساس اصل ۳۵ «در همه دادگاه‌ها طرفین دعوی حق دارند برای خود وکیل انتخاب نمایند و اگر توانایی انتخاب وکیل را نداشته باشند، باید برای آنها امکانات تعیین وکیل فراهم گردد^۵». لذا در صورتی که متهم از حق داشتن وکیل حتی برای مدت کوتاه منع شود، موجبات نقض قانون اساسی کشور فراهم خواهد شد و به حقوق متهم لطمه جبران ناپذیر وارد خواهد آمد.

متأسفانه قانون‌گذار محترم اما ناآگاه به مسائل حقوق بشری که گرایش او به حمایت از نهادهای امنیتی در نحوه نگارش این ماده آشکار است، با تصویب این ماده در مجلس و تبدیل آن به قانون، لطمه بزرگی به حقوق متهم خواهد زد. چطور ممکن است برای اصلاح یک قانون، متهم را به مدت بیست روز از حق ملاقات با وکیل محروم کرد؟ و بدتر از آن اینکه این مدت محرومیت بیست روزه می‌تواند تا مدت زمان نامعلومی با تشخیص مقامات قضایی تمدید شود! اساساً این ماده نه تنها از منظر حقوق بشری که از منظر نحوه نگارش حقوقی هم ایراد دارد چرا که مدت زمان نامعلومی را برای تمدید محرومیت از ملاقات با وکیل در نظر گرفته است درحالی که یکی از اصول نگارش قوانین این است که هر محرومیت از حقی برای متهم باید دارای مدت زمان مشخص باشد؛ همانطور که هر تنبیه و مجازات قانونی مانند حبس نیز باید میزان و مدت معلومی داشته باشد.

رویکرد سایر کشورها به مساله محدودیت حق دسترسی به وکیل

در مصاحبه‌ای که محمدعلی پورمختار، عضو کمیسیون حقوقی مجلس با خبرنگار ایرنا داشته است، خبرنگار از او می‌پرسد به نظر شما تغییرات اعمال شده در طرح اصلاحی تبصره ماده ۴۸، شرایط را برای متهم سخت‌تر نمی‌کند؟ و ایشان در جواب می‌گوید «این شرایط در همه جای دنیا وجود دارد، حتی در کشورهای آمریکایی و اروپایی مدعی حقوق بشر هم این وجود دارد. چرا که مسائل امنیتی خاص و ویژه است^۶». متأسفانه یکی از مشکلاتی که ما در ایران امروز و تحت حاکمیت جمهوری اسلامی با آن مواجه هستیم این است که مسئولین کشور و از جمله نمایندگان مجلس که وظیفه بسیار مهم قانون‌گذاری در کشور را به عهده

5. http://rc.majlis.ir/fa/content/iran_constitution
6. <http://www.irna.ir/fa/News/83305017>

اصلاح تبصره ماده ۴۸؛ «رفتند ابرو را درست کنند، چشم را کور کردند»



فیروزه رمضان‌زاده

مجله حقوق ما در مورد طرح مجلس برای اصلاح تبصره‌ی ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی، با صالح نیکبخت، وکیل دادگستری، گفت‌وگویی کرده که در زیر می‌خوانید.

تبصره اصلاحی از ماده ۴۸ آیین دادرسی کیفری چه ایراداتی دارد؟

به نظر من تبصره‌ای که ذیل ماده ۴۸ آیین دادرسی کیفری به عمل آمده است، در نهایت مانند درست کردن ابرویی است که چشم را کور می‌کند. زیرا فلسفه وضع ماده ۴۸ این بوده است که متهم در همه مراحل دادرسی به وکیل مورد نظر و منتخب خود دسترسی داشته باشد. در اصلاحیه فعلی اگرچه این تبصره تبعیض‌آمیز را برداشته‌اند ولی این که متهم در مدت بیست روز از زمان دستگیری حق دسترسی به وکیل ندارد عملاً کل ماده را زیر سوال برده و فلسفه وضع آن که دسترسی متهم به وکیل را در تمام مراحل نادیده گرفته است. لذا همان طوری که گفتم آمدند درستش کنند ولی کورش کردند. به دنبال اعتراض‌ها، مجلس تلاش کرد تا این ماده را اصلاح کند. در اصلاحیه اما آمده که «بر اساس تبصره این ماده

در جرائم سازمان‌یافته که مجازات آنها مشمول بندهای الف، ب و ت ماده ۳۰۲ این قانون است و همچنین جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی، جرائم تروریستی موضوع قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم و جرائم اقتصادی با موضوع جرم ۱۰ میلیارد ریال و بیشتر در مرحله تحت نظر و تحقیقات مقدماتی، حداکثر به مدت ۲۰ روز می‌توان مانع از ملاقات مظنون با وکیل شد و در صورتی که به تشخیص مقام قضایی نیاز به مدت زمان بیشتری باشد، این تصمیم در قالب قرار ممنوعیت از حضور وکیل صادر می‌شود و در واقع این قرار قابل اعتراض در دادگاه است.»

درباره ممانعت ۲۰ روزه از دسترسی متهم به وکیل؛ حتی امکان تمدید این محرومیت که در دست قاضی‌ست، چه نظری دارید؟ در این مدت حداقل بیست‌روزه -یا بیشتر- ممکن است متهم بر اثر فشارهای بازجویی، به گناه نکرده اقرار کند.

ببینید! کسانی که این اصلاحات را مثبت ارزیابی می‌کنند باید پاسخ بدهند. من به صورت عینی و عملی در جریان این قضایا بودم. من در رژیم گذشته ماه‌ها بدون وکیل بازداشت شدم. اساساً افرادی مثل من که در گذشته چنین شرایطی را دیدیم، یا حتی در میان همان حاکمانی

7. <https://www.gov.uk/arrested-your-rights/legal-advice-at-the-police-station>

8. <https://eur-lex.europa.eu/legal-content/EN/TXT/?uri=celex3%A32013L0048>

پیشرفته دنیا متهمان جرائم سازمان یافته به مدتی مشخص از دسترسی و ملاقات با وکیل خود محروم هستند و این قاعده پذیرفته شده است.

متهمان سیاسی در زمان رژیم شاه و ساواک تحت تعقیب قرار می‌گرفتند؛ نه در مراجع انتظامی یا از طرف دادسرا. آن‌ها تا وقتی که در مرحله تحقیقات بودند، خواه یک ماه تا دو سال، تا زمانی که پرونده آن‌ها در ساواک بود، حق مراجعه به وکیل را نداشتند.

ولی مردم به این دلیل با آن رژیم مبارزه کردند که آن ظلم آن زمان از بین برود. مردم ایران انقلاب کردند و اصل ۳۵ قانون اساسی تصویب شد، این اصل می‌گوید هر کس می‌تواند در دادگاه به وکیل دسترسی داشته باشد و اگر نتوانست وکیل انتخاب بکند، وکیل برایش می‌گیرند. عملاً معنایش این خواهد بود فقط در دادگاه حق دسترسی به وکیل دارد. اما براساس این اصلحیه ماده ۴۸ در مرحله تحقیقات مقدماتی که نزد ضابطان قضایی صورت می‌گیرد، متهم حق دسترسی به وکیل را ندارد. دوم این‌که در مراحل غیر از مرحله تحقیقات مقدماتی آنجایی که پرونده نزد بازپرس پرونده است، متهم حق دسترس به وکیل را ندارد. بعد گفتند نه! متهم حق دسترسی به وکیل در مرحله تحقیقات را هم دارد و لیکن در این مرحله تحقیقات تا بیست روز حق ملاقات با وکیل را ندارد. آن بیست روز را هم می‌شود با توجه به نظر قاضی تمدیدش کرد. یعنی عملاً آش همان آش است و کاسه همان کاسه است ولیکن تنها چیزی که در اصلحیه جدید از بین رفته، این است که گفتند با وکیلی که خودش انتخاب می‌کند. دیگر مثل دفعه قبل نگفتند از خودی‌ها انتخاب می‌کنیم. در مجموع، محدودیت دسترسی به وکیل در حال حاضر براساس این ماده آیین دادرسی کیفری نه تنها بهتر نشده و متهم حق دسترسی به وکیل را ندارد، بلکه تا بیست روز است و هر زمان به صلاحدید قاضی می‌توانند این محرومیت را تمدید کنند.

آیا این طرح به تایید شورای نگهبان که مسوول تطبیق قوانین با قانون اساسی‌ست، خواهد رسید؟
این سوال را باید از شورای نگهبان بپرسید.



یکی از حقوق طبیعی هر انسانی داشتن وکیل است که در اعلامیه جهانی حقوق بشر هم به طور صریح اشاره شده است. در میثاقین حقوق مدنی و سیاسی هم گفته شده که فرد باید وکیل داشته باشد و حتی در اسناد دیگر بین المللی مانند اسناد کنفرانس هاوانا و اساسنامه سازمان بین‌المللی حقوق بشر اسلامی یا کمیسیون حقوق بشر اسلامی، دسترسی به وکیل در همه مراحل پذیرفته شده است.

مدافعان این تبصره معتقد هستند که در کشورهای

که در سال‌های اول انقلاب بودند، کسان زیادی بودند که خودشان زندانی رژیم گذشته بودند. آن فلسفه اصل ۳۵ این بود که متهم در همه موارد دسترسی به وکیل داشته باشد.

منتها اشکالی که وجود دارد، آن اصل ۳۵ کلمه «دادگاه» را آورده است. قضات فعلی می‌گویند ما تفسیرمان این است که اگر قانونگذار قانون اساسی می‌خواست بگوید که در همه مراحل، بایستی کلمه «همه مراحل» را ذکر می‌کرد یا می‌گفت «در دادسرا و دادگاه». اما چون فقط «دادگاه» را ذکر کرده، در «دادگاه» حضور وکیل را منع نمی‌کند و نگفته که شامل دادسرا هم هست. به این جهت در ماده قبلی این مساله سال‌ها در دفاع از حقوق انسان به چالش کشیده شد. مساله این بود که این قانون نقض حقوق انسان است؛ مغایر است با اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاقین بین‌المللی مربوط به حقوق مدنی و سیاسی و باید اصلاح شود.

خواستند اصلاح کنند، بعد از کش و قوس زیادی گفتند وکلای این متهمان باید مورد قبول ما باشند! خود آن تبصره مخالف با قانون اساسی بود.

اگر بخواهیم دقیق عمل بکنیم، در اصل سوم قانون اساسی قانونگذاری که قانون اساسی را تصویب کرده، برای دولت وظیفه تعیین کرده به معنای عام و کلی. یعنی قوه مقننه مجریه و قضاییه این است که باید با رفع هر گونه تبعیض بند نهم این اصل، مبارزه شود. دولت را موظف به رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه، در تمام زمینه‌های مادی و معنوی کرده است، بنابراین این که ما بیاایم بگوییم متهم حق دسترسی به وکیل داشته باشد ولی وکیلی که من تعیین می‌کنم، این در واقع عدم انجام آن حقی است که وکیل می‌خواهد.

تبصره ذیل ماده ۴۸ این وضعیت را ایجاد کرده بود و عملاً در میان نزدیک ۷۰ هزار نفر عضو وکلای دادگستری که قرار بود استقلال داشته باشند و مرکز مشاوران قوه قضاییه می‌گفت از بین ۷۰ هزار نفر وکیل سراسر ایران این لیست را انتخاب کنید، آن هم کسانی که ما تعیین می‌کنیم، حالا با این اصلاح، محدودیت زمانی دسترسی به وکیل را ایجاد کردند در حالی که چنین تبصره‌ای با چنین اصلاحی مخالف خود ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی

کیفری است.

در ماده ۴۸ دسترسی به مراجعه به وکیل در همه مراحل قانونی باید به رسمیت شناخته شود که در این قانون چنین حقی را به رسمیت نشناختند.

کسانی که نمی‌خواهند متهم دسترسی به وکیل داشته باشد به میل خودشان می‌گویند نه تنها بیست روز، بلکه سه تا بیست روز تمدید می‌کنند. در حالی که در همان بیست روز حق متهم از بین رفته و این که در این شرایط، ممکن است متهم در شرایطی قرار بگیرد که مخالف حقوق وی باشد.

اجرای تبصره اصلاحی ماده ۴۸ نیز تبعات منفی به همراه خواهد داشت

مجله حقوق ما در مورد طرح مجلس برای اصلاح تبصره‌ی ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی، با محمدرضا فقیهی، وکیل دادگستری، گفت‌وگویی کرده که در زیر می‌خوانید.

تبصره اصلاحی از ماده ۴۸ آیین دادرسی کیفری چه ایراداتی دارد؟

اتفاقی که در ارتباط با ماده ۴۸ آیین دادرسی کیفری و تبصره آن افتاد، این بود که متأسفانه در تبصره ذیل ماده، عنوان شد که در پرونده‌هایی که موضوع جرائم امنیت داخلی و خارجی کشور و جرائم سازمان‌یافته هستند، در تحقیقات مقدماتی آن پرونده‌ها، وکلایی که صرفاً مورد تایید رییس قوه قضاییه باشند، امکان مداخله و حضور دارند.

همین موضوع باعث شد که بسیاری از دادسراهای انقلاب و محاکم انقلاب، با برداشتی که از این تبصره و ماده داشتند، مانع حضور وکلایی می‌شدند که توسط متهمان و خانواده‌های آنها انتخاب شده بودند و وقتی وکلا مراجعه می‌کردند، عنوان می‌شد که چون شما در لیست مورد نظر رییس قوه قضاییه نیستید یا مورد تایید ایشان نیستید، امکان مداخله در این پرونده‌ها را ندارید.

البته تا سه سال از تاریخ تصویب تبصره، خبری از انتشار لیست وکلای مورد وثوق و تایید توسط رییس قوه قضاییه

نبود تا اینکه در سال ۱۳۹۷ لیست‌هایی در این ارتباط منتشر شد و در اختیار مراجع قضایی قرار گرفت.

پرسش این است که اگر تبصره موصوف با استانداردهای پذیرفته شده نظام‌های تقنینی انطباق داشته، چرا اجرای آن سه سال به تعویق افتاد؟

پس از اجرای تبصره مذکور، هنگامی که مراجع قضایی از حضور و وکالت تعداد زیادی از وکلای شناخته‌شده کشور در پرونده‌های موضوع جرایم علیه امنیت کشور ممانعت به عمل آورده و صرفاً به وکلای برگزیده رییس قوه قضاییه اجازه وکالت در آن پرونده‌ها داده شد و همین تبعیض، موجبات سلب یا عدم رعایت حقوق دفاعی متهمان پرونده‌های یاد شده را فراهم ساخت، جامعه حقوقی کشور لب به اعتراض به این وضعیت گشودند.

در واقع، معایب این تبصره از سوی وکلای دادگستری، حقوقدانان، اساتید دانشگاه‌ها بیان شد و اعتراضات گسترده‌ای در این خصوص انجام شد. چون تبصره برای گروهی از وکلا امتیاز قائل می‌شد و به آنها حق و اجازه می‌داد که در پرونده‌های خاص وکالت کنند در حالی که به سایر همکاران آنها این اجازه داده نمی‌شد. از آن‌جا که اجرای این تبصره تبعات منفی به همراه داشت، در اثر



هفته‌های نخست بازداشت، این اطمینان خاطر را برای متهم، خانواده و وکیل منتخب وی ایجاد نمی‌کند که حقوق قانونی متهمان این قبیل پرونده‌ها رعایت خواهد شد.

به عبارت دیگر، ایزوله‌شدن متهم این قسم پرونده‌ها در بیست روز نخست بازداشت، ما را از سلامت تحقیقات مقدماتی و رعایت حقوق دفاعی و قانونی متهم مطمئن نمی‌کند و نمی‌توانیم یقین حاصل کرده یا حتی حدس بزنیم آیا متهم تحت فشار و اجبار و شکنجه قرار گرفته تا به گناه و جرم ناکرده اعتراف کند؟ آیا سوالات استاندارد از متهم پرسیده می‌شود یا خیر؟ حق سکوت متهم در آن

اعتراضات متعددی که صورت گرفت قانونگذار بر آن شد که این تبصره را اصلاح کند. در اخباری که طی روزهای اخیر منتشر شده، عنوان شده است که تبصره اصلاحی جدید که مجلس شورای اسلامی آن را تصویب نموده، به قرار اطلاع، به این مضمون است که در بیست روز نخست، تحت نظر قرار گرفتن متهمان پرونده‌های موضوع جرایم علیه امنیت کشور و جرایم سازمان‌یافته، امکان حضور وکیل یا وکلای متهمان مذکور وجود نخواهد داشت.

به تبصره جدید نیز از این جهت اشکال وارد است که عدم حضور و نظارت وکیل مدافع متهم بر فرآیند تحقیقات مقدماتی پرونده‌های مد نظر قانونگذار، خصوصاً روزها و

بیست روز رعایت و تضمین می‌شود یا خیر؟

بنابراین به عنوان یک وکیل دادگستری با سال‌ها سابقه کار در پرونده‌هایی از این دست، عرض می‌کنم که اجرای این تبصره هم با این کیفیت تبعات منفی به همراه خواهد داشت و حقوق دفاعی متهم را نقض می‌کند. از حیث این که وکیل او در آن بیست روز امکان حضور نخواهد داشت، در آن بیست روز و در شرایطی که وکیل حضور ندارد، تضمین اطمینان‌آوری برای این که حقوق متهم رعایت شود وجود ندارد.

به دنبال اعتراض‌ها، مجلس تلاش کرد تا این ماده را اصلاح کند. در اصلاحیه اما آمده که «بر اساس تبصره این ماده در جرائم سازمان‌یافته که مجازات آنها مشمول بندهای الف، ب و ت ماده ۳۰۲ این قانون است و همچنین جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی، جرائم تروریستی موضوع قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم و جرائم اقتصادی با موضوع جرم ۱۰ میلیارد ریال و بیشتر در مرحله تحت نظر و تحقیقات مقدماتی، حداکثر به‌مدت ۲۰ روز می‌توان مانع از ملاقات مظنون با وکیل شد و در صورتی که به‌تشخیص مقام قضایی نیاز به مدت زمان بیشتری باشد، این تصمیم در قالب قرار ممنوعیت از حضور وکیل صادر می‌شود و در واقع این قرار قابل اعتراض در دادگاه است.»

مدافعان این تبصره معتقدند که در کشورهای پیشرفته دنیا، متهمان جرائم سازمان‌یافته به مدتی مشخص از دسترسی و ملاقات با وکیل خود محروم هستند و این قاعده پذیرفته شده است.

ببینید در رعایت استانداردهای جهانی تحقیقات و بازجویی‌های مقدماتی، نباید تفاوتی میان ممالک مترقی و توسعه یافته نظیر ایالات متحده آمریکا و کشورهای اروپایی که داعیه احترام به حقوق و آزادی‌های بنیادین بشری را دارند و ممالک توسعه نیافته، وجود داشته باشد. اینکه ایالات متحده آمریکا افرادی را به اتهام عضویت در گروه‌ها و سازمانهای تروریستی نظیر القاعده و داعش و ... جاسوسی، نقض تحریم‌ها، قاچاق اسلحه و مهمات، پولشویی و غیره تحت تعقیب قرار داده و آن افراد را پس از بازداشت، به شکل ایزوله تحت نظر قرار داده و

نگهداری تحت این شرایط را با مجوز قانونی بداند و نتیجتاً اعترافاتی از متهمان اخذ کند، هیچ تفاوتی با کشورهایی که توسعه نیافته هستند و خود را مجاز به تحقیقات از متهمان پرونده های موضوع جرایم علیه امنیت کشور تحت شرایط ایزوله و بدون حضور و نظارت وکیل متهم می‌دانند، ندارند.

هر دو گروه کشورهای مورد اشاره در واقع به بهانه اهمیت پرونده‌های متشکله، حقوق متهمان مربوطه را نقض می‌کنند و هر دو را باید ناقض حقوق آن متهمین دانست. حضور وکیل در مرحله تحقیقات این قبیل پرونده‌ها و نظارت وی بر فرآیند تحقیقات، مانع از بی‌قانونی و نقض حقوق متهمان می‌گردد و متهم و خانواده وی و وکیل منتخب او اطمینان حاصل می‌کنند که امور بر مدار قانون پیش می‌رود و اگر نقض قانون اتفاق افتد امکان شکایت و تظلم خواهی نزد مراجع ذیصلاح وجود خواهد داشت.

لذا معتقدم باید حقوق متهمان در پرونده های موضوع جرایم علیه امنیت کشور و جرایم سازمان‌یافته و سایر جرایم مهم، رعایت و تضمین گردد که حضور و نظارت وکیل منتخب متهم بهترین روش برای تضمین و رعایت حقوق قانونی و دفاعی متهمان این نوع پرونده‌ها است. منتها سعی در این است که متهم مدتی به طور ویژه در اختیار بازجویان و مراجع امنیتی باشد تا با صلاحدید و سلیقه و با روش‌ها و تکنیک‌های آنها بازجویی به عمل بیاید و این اصول دادرسی عادلانه و تحقیقات مقدماتی استاندارد را به گمان من زیر سؤال می‌برد.

امیدوارم که این اتفاق مجدداً در کشور ما رخ ندهد و مجلس خودش متوجه اشتباهی باشد که در حال رخ دادن است و شورای نگهبان این مصوبه را تایید نکند. اگر مصوبه مذکور تایید شده و به مرحله اجراء درآید، همواره باید این احتمال را بدهیم که منبعد متهمان ایزوله شده تحت ضوابط این تبصره پس از اتمام تحقیقات مقدماتی اعلام کنند که اظهارات خود در تحقیقات مقدماتی را قبول نداشته و آنها را معتبر و قانونی نمی‌دانند زیرا آن اظهارات تحت فشار و اجبار و القائات بازجویان اخذ شده. بدین ترتیب این امکان فراهم خواهد شد تا سلامت و صحت تحقیقات مقدماتی این قسم پرونده ها زیر سؤال

برود.

به گمانم می‌توان و باید با روش‌های مختلف به خصوص ایجاد امکان حضور و نظارت وکلای متهمان در مرحله تحقیقات پرونده‌های مهم، رعایت حقوق قانونی و دفاعی متهمان مذکور را تضمین نمود. همانگونه که در قوانین سابق و لاحق پیش‌بینی شده، وکلا نباید در تحقیقات اخلاص نموده یا در روند انجام آن مانع ایجاد کرده و در کار تحقیقات بازپرسان دخالت مغل نمایند که این در بسیاری از نظام‌های قانونگذاری دنیا پذیرفته شده است. اما صرف حضور و نظارت وکلا در مرحله تحقیقات مقدماتی می‌تواند مانع بسیاری از بی‌قانونی‌های احتمالی شود البته با ذکر این تذکر که باید وکلا این حق و امکان را داشته باشند تا ملاحظات مد نظر خود را در دفاع از موکلانشان در خاتمه تحقیقات در پرونده درج و ثبت نمایند چون در تصمیم دادگاه تاثیرگذار خواهد بود.

آیا به نظر شما، این طرح به تایید شورای نگهبان که مسوول تطبیق قوانین با قانون اساسی‌ست، خواهد رسید؟

ببینید در دوره قبل که ما با تبصره ماده ۴۸ مواجه شدیم و سال‌ها این تبصره، مغل حقوق دفاعی متهم اعمال و اجرا شد چون مصوبه مجلس به تایید شورای نگهبان رسید و شورای نگهبان دقیقاً می‌توانست بر این اساس که این تبصره مغایر حقوق دفاعی متهم و حقوق مصرح او در قانون اساسی کشور است آن تبصره را تایید نکند و جهت اصلاح آن را به مجلس شورای اسلامی برگرداند. اما عملاً این اتفاق نیفتاد.

اینجا هم من نمی‌توانم پیش‌بینی داشته باشم که شورای نگهبان این بار چه موضعی خواهد گرفت و این تبصره و ماده جدید با ادبیات و انشای جدید را تایید خواهد کرد یا نه. اگر تایید نکند یک گام به پیش است به نفع متهمان و حقوق دفاعی آنها و حقوق ملت. اما اگر شورای نگهبان این تبصره را تایید کند، باز هم همان حکایت‌ها و شبهات سابق و اشکالات متعددی که وکلا و حقوقدانان مطرح کرده‌اند، همچنان به قوت خود باقی خواهد ماند.

یک قرار صادر می‌کند به نام قرار عدم دسترسی و شما وقتی می‌روید، می‌گویید او «قرار عدم دسترسی» دارد. در مراحل تحقیقات مقدماتی که احتمال تبانی بین متهم و بقیه متهمان وجود دارد، معمولاً اجازه دسترسی به پرونده را نمی‌دهند. چون به هر حال برای دستگاه قضایی در برخی موارد لازم و ضروری است. حالا شما فقط در جرائم سیاسی به این قضیه نگاه نکنید، در جرائم سیاسی کمی حساسیت بیشتر است. اما بسیاری از جرائم هستند مثل جرائم اقتصادی؛ به محض این که متهم مثلاً از یک مساله‌ای مطلع شود، ممکن است اسناد و مدارک، اموال و دارایی‌ها را جابجا کند.

در جرائم سازمان‌یافته چنین چیزی امکان دارد، یعنی در هر پرونده‌ای که تعدد متهم وجود داشته باشد ممکن است که متهم بتواند اطلاعاتش را جابجا کند و حتی ممکن است این اطلاعات را از طریق وکیل جابجا کند. این تصور غلط است که ما فکر می‌کنیم همه وکلایی که عضو کانون وکلا هستند، آدم‌هایی هستند که حتماً در مسیر عدالت کار می‌کنند و با مجرمین تبانی نمی‌کنند. واقعیت این نیست، واقعیت این است که گاهی اوقات برخی از وکلا، نام شریف وکالت را یدک می‌کشند اما در عمل به کسوت وکالت پایبند نیستند. این ضروری است که واقعاً در برخی از پرونده‌ها، حتماً در مرحله تحقیقات مقدماتی «قرار عدم دسترسی به پرونده» را برای وکیل صادر کنند.

این قرار، قابل اعتراض است. شما می‌توانید به قرار عدم دسترسی اعتراض بکنید. این اعتراض به دادگاه می‌رود. دادگاه ممکن است قرار را تایید بکند و ممکن است قرار را تایید نکند. موضوع سومی که در قانون جدید است و برای اولین بار است که در قوانین دادرسی ایران وارد می‌شود، این است که شما اجازه ملاقات موکلان را در یک دوره زمانی ندارید. یعنی حق ملاقات ندارید و نمی‌توانید موکلان را ببینید. در متن کمیسیون که تهیه شده بود این محدودیت هفت روز بود ولی بعداً در مباحثاتی که در کمیسیون صورت گرفت این مدت به بیست روز افزایش پیدا کرد. این هم موضوع سومی است که در این اصلاحیه آمده است.

به شما اجازه دسترسی به پرونده را نمی‌دهد. آن محدودیت حق انتخاب وکیل برداشته شده، یعنی الان هر کسی می‌تواند یک وکیل بگیرد در هر پرونده‌ای. بنابراین برای جرم‌های جاسوسی یا تروریستی یا سازمان‌یافته یا جرائم اقتصادی، متهم می‌تواند با اجازه قوه قضاییه هر کسی را که دارای پروانه وکالت است به عنوان وکیل خود انتخاب کند. پس محدودیت وکیل برداشته شده است. اما مساله‌ای در قانون تصویب شد که قبلاً در مراجع قضایی بود. یعنی همان «قرار عدم دسترسی به پرونده». قبلاً هم بوده مربوط به الان هم نیست. سی سال است، حداقل تا جایی که من یادم هست. در این بیست و اندی سالی که تجربه وکالت دارم، دیده‌ام که در خیلی از موارد، مقام قضایی اجازه دسترسی به پرونده را به شما نمی‌دهد.



اصلاح تبصره ذیل ماده ۴۸ قدم مثبتی است

به دنبال اعتراض‌ها، مجلس تلاش کرد تا تبصره ذیل ماده ۴۸ را اصلاح کند. در اصلاحیه اما آمده که «بر اساس تبصره این ماده در جرائم سازمان‌یافته که مجازات آنها مشمول بندهای الف، ب و ت ماده ۳۰۲ این قانون است و همچنین جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی، جرائم تروریستی موضوع قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم و جرائم اقتصادی با موضوع جرم ۱۰ میلیارد ریال و بیشتر در مرحله تحت نظر و تحقیقات مقدماتی، حداکثر به مدت ۲۰ روز می‌توان مانع از ملاقات مظنون با وکیل شد و در صورتی که به تشخیص مقام قضایی نیاز به مدت زمان بیشتری باشد، این تصمیم در قالب قرار ممنوعیت از حضور وکیل صادر می‌شود و در واقع این قرار قابل اعتراض در دادگاه است.»

مجله حقوق ما در مورد طرح مجلس برای اصلاح تبصره‌ی ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی، با عباس شیر، وکیل دادگستری، گفت‌وگویی کرده که در زیر می‌خوانید.

درباره ممانعت ۲۰ روزه از دسترسی متهم به وکیل؛ حتی امکان تمدید این محرومیت که در دست قاضی‌ست، چه نظری دارید؟

الان ما یک «قرار»ی داریم که وقتی وکلا می‌روند و تقاضای مطالعه پرونده را می‌کنند، گاه باز پرس یک قرار صادر می‌کند مبنی بر «قرار عدم دسترسی به پرونده» و

که عدم دسترسی متهم را به ملاقات با وکیل محدود کرده به بیست روز و به نظر من هم تحول مهمی است. اتفاقاً من فکر می‌کنم که ممکن است این بیست روز مورد موافقت مجلس و شورای نگهبان قرار نگیرد اگر قرار بگیرد شما مطمئن باشید در تحولات قانونی در جهت ارتقای حقوق بشر در ایران محسوب می‌شود.

به نظر شما این اصلاحیه هیچ ابهامی ندارد؟

این اصلاحیه ابهام دارد. ببینید روندی که برای قانونگذاری وجود دارد روندی تکاملی است. من نگاه مطلق‌گرا به تحولات قانونی ندارم. من اگر بخواهم یک قانونی را ارزیابی کنم با قانون قبلیش مقایسه می‌کنم. اگر این قانون درصدی از قانون سابق بهتر باشد، بالطبع من از آن دفاع می‌کنم.

ولی این که آیا ایده‌آل و مطلوب است؟ اگر من بخواهم بنویسم، این‌گونه می‌نویسم؟ نه! من این‌گونه نمی‌نویسم! قطعاً نقاد این تبصره هم خواهم بود.

در کلاس‌های درس و مقالاتم قطعاً نقاد آن خواهم بود ولی اگر شما به من بگویید این قانون از قانون موجود بهتر است؟ به شما می‌گویم از قانون موجود، خیلی بهتر است. اولاً شفاف تر است. قانونگذار، احصای قانونی کرده است. این تحول مهمی در کار قانونگذاری‌ست. این که قانونگذار، کلی‌گویی نکند و جرائم را نام ببرد، به هر حال در قانون مشخص شده است.

اصلاً آن محدودیت را برای وکلا برداشته و همه شهروندان را به حقوق مسلم خودشان رسانده است. وقتی ما با این موضوع روبرو می‌شویم، می‌بینیم این قانون از قانون قبلی بهتر است. اما آیا این قانون قانون غایی هم هست؟ نیست! هر چیزی که توسط بشر نوشته می‌شود، به هر حال نواقصی دارد و در یک روند تکاملی می‌تواند بهتر شود.

آیا به نظر شما این طرح به تایید شورای نگهبان که مسوول تطبیق قوانین با قانون اساسی‌ست، خواهد رسید؟

به نظر من به تایید شورای نگهبان می‌رسد.



مقایسه کنم، نه!

حتی شما با مقررات آمریکا هم مقایسه کنید باز این قانون پیشرفته‌تر است. چون آنجا وقتی عنوان جرم تروریستی را می‌گذارند، در قانون ۲۰۰۱ آمده حتی می‌تواند فرد را بدون داشتن حکم قضایی بازداشت بکنند. می‌توانند چند روز او را نگه دارند، می‌توانند منزلش را بدون حکم قضایی بازرسی کنند.

این است که به نظر من قدم مثبتی است، باید حمایت کرد. منتها ممکن است در اصلاحات بعدی آن بیست روز بشود هفت روز. کما این که نظر کمیسیون هم هفت روز بود، ولی بعداً وقتی موضوع مورد بررسی دقیق‌تر قرار گرفت، به این نتیجه رسیدند که هفت روز کافی نیست.

در یک سری از جرائم چون باید یک سری تحقیقات انجام شود، مثل جرائم سازمان‌یافته‌ای که گروه‌های تروریستی انجام می‌دهند. گروه‌هایی مثل داعش می‌آیند عملیاتی انجام می‌دهند و شما برخی از اعضای داعش را دستگیر می‌کنید. درست است مسائل انسانی فرقی بین داعش

آیا بعد از ۲۰ روز متهم از حق داشتن وکیل برخوردار است؟

ببینید حق داشتن وکیل از روز اول است. متهم می‌تواند وکیل داشته باشد. منتها در آن بیست روز حق ملاقات با وکیلش را ندارد. شما وکالت‌نامه را به دفتر شعبه می‌دهید، دفتر شعبه از طریق پیک قضایی به زندان می‌برد. زندانی امضا می‌کند و می‌آورد می‌گذارد بر روی پرونده. شما حق وکیل داری اما حق ملاقات با وکیل را نداری.

باید متن نهایی شود تا ببینیم مثلاً از طرف قضات قابل تمدید است یا خیر. خودتان می‌دانید که تا قانونی می‌آید، تا اصلاح شود، تصویب شود و به تایید شورای نگهبان برسد، تحولاتی می‌پذیرد. مثلاً ممکن است شورای نگهبان بگوید این بیست روز را باید بردارید و بگوید هر چند وقت که مقام قضایی صادر کند. این را هم به شما بگویم الان یک مقام قضایی می‌تواند ماه‌ها جلوگیری کند از ملاقات وکیل با موکل خودش. ولی الان به موجب قانون جدید بیشتر از بیست روز متهم نمی‌تواند از ملاقات با وکیلش محروم شود، برای همین می‌گویم این قانون بهتر از قانون موجود است، چون مقام قضایی الان بیشتر از بیست روز نمی‌تواند متهم را بدون ملاقات با وکیل نگه دارد ولی قبلاً می‌توانست به طور نامحدودی متهم را در این محدودیت نگه دارد. می‌توانست سه ماه، چهارماه، حتی بیشتر، از ملاقات با وکیل جلوگیری کند.

این افرادی که انتقاد می‌کنند شاید تجربه عملی از ساختار قضایی ندارند. شاید با ساختار موجود دستگاه قضایی آشنا نیستند. قبلاً پیش آمده من خودم حتی نامه از مقام قضایی برای ملاقات داشته‌ام که بروم و موکل را در زندان ببینم، ولی عملاً تا این که به زندان بروم یک هفته طول کشید. در حالی که دادستان موافقت کرده بود که بروم و موکل را ببینم.

مدافعان این تبصره معتقدند که در کشورهای پیشرفته دنیا، متهمان جرائم سازمان‌یافته به مدتی مشخص از دسترسی و ملاقات با وکیل خود محروم هستند و این قاعده پذیرفته شده است.

محاسن این تبصره خیلی بیشتر از معایبش است، ولی اگر بخواهم این قانون را با قانون کشوری مثل سوئیس

تبصره ماده ۴۸ با قانون اساسی در تضاد است

مجله حقوق ما در مورد طرح مجلس برای اصلاح تبصره‌ی ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی، با هوشمند رحیمی، حقوق‌دان، گفت‌وگویی کرده که در زیر می‌خوانید.

تبصره اصلاحی از ماده ۴۸ آیین دادرسی کیفری را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

ببینید! در سال ۹۲ که این قانون را نوشتند، ما همه خیلی خوشحال شدیم چون حق وکیل نبود تا سال ۱۳۹۲ در مرحله دادرسی باشد. در صورتی که در اسناد بین‌المللی مثل میثاق حقوق سیاسی و مدنی یا ماده ۱۰ اعلامیه جهانی حقوق بشر، شما این حق را می‌بینید. در دنیای غرب بسیار بدیهی است که فرد متهم باید حق وکیل داشته باشد، بتواند برای خودش وکیل داشته باشد. تا سال ۹۲ متهمان این حق را نداشتند. در سال ۹۲ ما خوشحال شدیم برای این که می‌گفت در مرحله دادرسی متهمان می‌توانند وکیل داشته باشند.

منتها وکیل حق اظهار نظر ندارد! فقط می‌تواند موارد قانونی را گوشزد کند. ما گفتیم این خودش یک گام بزرگی است که در ایران برداشته شده، اما صادق لاریجانی آمد تبصره ماده ۴۸ را نوشت که در آن متهمان یک سری جرائم، از جمله جرائم سیاسی- امنیتی، باید از فهرست مورد اعتماد رییس قوه قضاییه وکیل انتخاب

کنند. از سال ۹۳ که ما با آقای پیام درخشان، محمد نجفی و محمد مقیمی که آن موقع دستگیر شده بود، متنی را تنظیم کردیم که این تبصره با قانون اساسی و اصول پذیرفته شده بین‌المللی و تعهدات ایران در کنوانسیون‌های بین‌المللی، در تضاد آشکار است. ضمن این که ما همه در یک اندازه وکیل هستیم، ما وکیل‌تر از وکیل نداریم! وقتی یک شخص پروسه وکیل شدن را طی می‌کند، وکیل دادگستری است. وزارت اطلاعات و قوه قضاییه نظر می‌دهد. روزی که ما داریم پرونده وکالت‌مان را می‌گیریم، چه کارآموزی‌مان، چه پایه یک، پس ما تایید شده‌ایم. این که شما بیاپید یک فهرست از میان هزاران وکیل انتخاب بکنید، باید یک مقاصدی پشتش باشد.

کما این که وقتی آنها اسم شخصی مثل دکتر جلیل مالکی را آوردند می‌خواستند چهره ایشان را مخدوش کنند. بلافاصله وقتی آن فهرست منتشر شد، دکتر جلیل مالکی براثت خودش را اعلام کرد و از این لیست استعفا داد و گفت نمی‌خواهم در این لیست باشم. این قانون همچنان یک قانون لازم‌الرعایه است، همچنان همکاران من از انجام امور وکالتشان در مرحله دادرسی با عنایت به این لیست منع می‌شوند. اگر چه از وکلایی که در دادگاه انقلاب کار می‌کردند، فکر نمی‌کنم کسی مانده باشد. یا اکثرمان از ایران خارج شده‌ایم یا در زندان الان امیرسالار داوودی در هفتمین ماه است که در زندان است و بقیه هم تحت فشار دارند کار می‌کنند و دادرسی هم نمی‌پذیرد.

از طرفی موضوعی مطرح شده که وکلای لیست معتمد خودشان که همگی از بسیج حقوقدان‌ها انتخاب شده بودند، اکثرا از قضاات بازنشسته یا بازخرید شده یا از خانواده شهدا و ایثارگران هستند. حق الوکاله‌های عجیب و غریبی هم می‌گیرند، یعنی این خودش فساد، رانت و مافیا هم ایجاد می‌کند.

به دنبال اعتراض‌ها، مجلس تلاش کرد تا این ماده را اصلاح کند. در اصلاحیه اما آمده که «...حداکثر به‌مدت ۲۰ روز می‌توان مانع از ملاقات مظنون با وکیل شد و در صورتی که به‌تشخیص مقام قضایی نیاز به مدت زمان بیشتری باشد، این تصمیم در قالب قرار ممنوعیت از حضور وکیل صادر می‌شود و در واقع این قرار قابل

اعتراض در دادگاه است.»

درباره ممانعت ۲۰ روزه از دسترسی متهم به وکیل؛ حتی امکان تمدید این محرومیت که در دست قاضی‌ست، چه نظری دارید؟

ما در حقوق کیفری می‌گوییم هر چیزی که برای یک مرحله دیکته می‌شود، مراحل پایین‌تر هم باید آن را رعایت کنند اما مرحله بالاتر نیاز به این کار ندارد. یعنی برای مثال، اگر می‌گوید وکیل در مرحله دادگاه تجدید نظر باید از لیست وکلای مورد اعتماد قوه قضاییه باشد، یعنی در دادگاه بدوی، دادرسی و تمام مراحل قبل از آن باید از داخل آن فهرست وکیلی را انتخاب کنند. در دیوان عالی کشور چطور؟ نه! چون مرحله بالاتر است. اما وقتی می‌گوید در مرحله دادرسی باید از فهرست وکلای مورد اعتماد انتخاب بکنند، یعنی دادگاه بدوی، دادگاه تجدید نظر و دیوان عالی کشور نباید این حکم را رعایت بکنند و متهم می‌تواند وکیل خودش را انتخاب کند.

اما دادگاه انقلاب چه کار می‌کند؟ دادگاه انقلاب مثل جزیره‌ای‌ست در ایران که قوانین خودش را دارد! دادگاه انقلاب برخلاف نص قانون می‌گوید من هم وکلا را طبق آن تبصره از داخل آن فهرست مورد اعتماد قوه قضاییه قبول می‌کنم.

حالا یک اصلاحیه ای را تنظیم کردند. اول قرار بود این دوره زمانی محدودیت متهم بشود پنج روز. یعنی متهم از روزی که دستگیر می‌شود، تا پنج روز حق دسترسی به وکیل نداشته باشد. ما گفتیم متهم پنج روز را می‌تواند دوام بیاورد و سکوت کند. اما وقتی این اصلاحیه می‌رود به مجلس و کمیسیون حقوقی قضایی، این را تغییر می‌دهند و می‌گویند متهم از روز دستگیری به‌مدت ۲۰ روز نمی‌تواند وکیل داشته باشد و این را هم اضافه می‌کنند که در صورت صلاح‌دید مقام رسیدگی کننده، این محدودیت می‌تواند تا پایان مرحله دادرسی ادامه داشته باشد. این بدان معناست که در مرحله دادرسی که یک مرحله کلیدی است، در رسیدگی‌های کیفری چون اقرار می‌گیرند و بر اساس آن اقرار، کیفرخواست صادر می‌شود، خب می‌بایست وکیلی در این مرحله باشد و بتواند به متهم کمک کند. ببینید! اینها تمام اصولی‌ست

که جمهوری اسلامی زیر پا می‌گذارد. یکی از این اصول این است که تفسیر باید «مضیق» باشد «تفسیر مضیق» یعنی دایره تفسیر ما از مواد باید انقدر محدود باشد که حتی شاید نشود به آن عمل کرد. ولی در عمل، دستگاه قضای جمهوری اسلامی کاری دارد می‌کند که مثلاً اگر شما را گرفتند وکیل نداشته باش، ما هم هر چی گفتیم اقرار کنی اقرار کن.

شما شاید بتوانی در آن بیست روز از حق سکوت استفاده کنی. چون این هم باز از نوآوری‌های آیین دادرسی سال ۹۲ است که در سال ۹۴ ابلاغ شده، و یکی از این نوآوری‌هایشان این است که از حقوق متهمین این است که حق سکوت دارند، ولی آیا واقعاً متهم می‌تواند سکوت کند؟ جواب من با توجه به تجربیاتم منفی است.

آیا بعد از ۲۰ روز متهم از حق داشتن وکیل برخوردار است؟

«تبصره ماده ۴۸ می‌گوید در صورت صلاحدید مقام رسیدگی کننده، این محدودیت می‌تواند تمدید شود. اما من یک نکته به شما بگویم؛ این تبصره فقط راجع به متهمان سیاسی و امنیتی نیست! هر کسی که مجازاتش اعدام، زندان بلندمدت و مجازات قطع عضو دارد، مشمول این تبصره است. این مجازات‌ها مجازات‌هایی غیرقابل بازگشت هستند. من در شعبه ۳۰ دادگاه انقلاب یک پرونده داشتم که موکل من مدعی شد که شکنجه شده؛ و شده بود. یعنی تمام اقرارهایی که از او در پرونده گرفته بودند در اثر شکنجه بود. ایشان به قاضی گفت که «من صدای ضجه‌های زخم را می‌شنیدم. من اقرار کردم که زخم را رها کنند.» گفت «مدرک چی داری؟» لب بالایش را گرفت گفت «ببینید دندان‌های من را خرد کردند» قاضی برگشت به او گفت: «خب رفتی پزشکی قانونی؟ رفتی دکتر نامه‌ای چیزی بگیری که این اتفاق برات افتاده؟» گفت: «آقای قاضی! من در بازداشتگاه وزارت اطلاعات بودم. اگر بنا بود کسی هم مرا به پزشکی قانونی ببرد، اینها باید می‌بردند که نبردند. من چطور باید می‌رفتم که چنین چیزی را ثابت کنم؟»

قاضی، پرونده را بست و نوشت «پرونده جهت تکمیل تحقیقات در مورد اتهام‌زنی به سربازان گمنام امام زمان

به وزارت اطلاعات عودت گردد.» این نحوه برخورد با کسی است که می‌گوید من شکنجه شدم. قانون ما می‌گوید وقتی متهم مدعی می‌شود شکنجه شده، کل تحقیقات اولیه باید باطل شود و از اول تحقیقات صورت بگیرد. یا اگر شکنجه تکرار شود، قاضی خودش تحقیقات را انجام دهد اما در عمل وقتی مدعی می‌شوند که شکنجه شده‌اند، قاضی آنها را برمی‌گرداند به همانجا با یک اتهام جدید که بیشتر شکنجه شوند و صدایشان در نیاید. به این دستگاه هم می‌گویند دستگاه قضایی عدل علی!



در این مدت حداقل بیست روز یا بیشتر چه اتفاقی برای متهم رخ می‌دهد؟ ممکن است وی بر اثر فشارهای بازجویی به گناه نکرده اقرار کند؟

یک جمله ای اینها دارند که به ضابط قضایی یا اداره آگاهی یا وزارت اطلاعات یا ساس سازمان حفاظت اطلاعات سپاه می‌نویسند که «متهم برای انجام بیشتر تحقیقات به شما معرفی می‌شود.» همین «جهت انجام تحقیقات» یعنی چه؟ یعنی شکنجه‌اش کنید؟ حالا در مورد اسماعیل بخشی چه دیدیم؟ گفتند شکنجه نبوده، حالا یک زد و خوردی در زمان بدرقه بوده، خب زد و

خورد اگر اسمش شکنجه چیست، پس چیست؟ اصل ۳۸ قانون اساسی می‌گوید «هرگونه شکنجه برای گرفتن اقرار و یا کسب اطلاع ممنوع است. اجبار شخص به شهادت، اقرار یا سوگند، مجاز نیست و چنین شهادت و اقرار و سوگندی فاقد ارزش و اعتبار است.» ولی به هر حال از لحظه‌ای که کسی را دستگیر می‌کنند، حق کرامت و شأن انسانی متهم را برخلاف ماده پنج اعلامیه جهانی حقوق بشر پایمال می‌کنند و وقتی شخصی مثل اسماعیل بخشی می‌گوید من شکنجه شده‌ام، نتیجه‌اش این می‌شود که وزیر اطلاعات می‌شود شاکی او! نتیجه‌اش می‌شود پرونده‌سازی‌های بعدی. این اتفاقی‌ست که می‌افتد اگر وکیل نباشد.

گرچه اینها دارند وکلای دست‌پرورده خودشان را می‌آورند و نمی‌خواهند اجازه بدهند وکلای آزاده بسیاری که در دادگاه انقلاب کار کردند، مثل دکتر دادخواه، امیرسالار داوودی، استاد عزیزم آقای عبدالفتاح سلطانی، پایشان به این دادگاه‌ها باز شود. برای این که وقتی وارد این دادگاه‌ها می‌شویم، تنها خواسته‌ای که داریم، اجرای عدالت است. این مسائلی‌ست که وکلا برایش می‌ایستند.

آیا به نظر شما این طرح به تأیید شورای نگهبان که مسوول تطبیق قوانین با قانون اساسی‌ست، خواهد رسید؟

کارهای شورای نگهبان اصلاً مشخص نیست، ولی فراموش نکنید یک شورای نگهبان وظیفه‌اش انطباق قانون با فقه است و ما در موارد بسیار زیادی دیدیم که شورای نگهبان قوانینی را تایید می‌کند که با قانون اساسی ما در تضاد آشکار است. همین تبصره ماده ۴۸ با اصل ۳۵ قانون اساسی در تضاد آشکار است. یعنی عملاً کل تبصره، چه تبصره موجود چه اصلاحیه‌ای که برایش نوشتند، با اصل ۳۵ قانون اساسی مغایرت دارد. متهم حق داشتن وکیل دارد و اگر استطاعت مالیش را ندارد باید برای او وکیل تسخیری گرفته شود. بعد این تبصره می‌گوید متهم بیست روز حق دسترسی به وکیل را ندارد یعنی مخالفت آشکارا با اصل ۳۵ قانون اساسی پس قاعدتاً نباید در شورای نگهبان تایید و تصویب شود؛ اما احتمالاً تأیید و تصویب می‌شود و اتفاقاً اجرا هم می‌شود.



محدودیت دسترسی به وکیل، مغایر اصل ۳۵ قانون اساسی است

مجله حقوق ما در مورد طرح مجلس برای اصلاح تبصره‌ی ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی، با یوسف مولایی، وکیل دادگستری، گفت‌وگویی کرده و ابتدا از او پرسیده است که چه نقدی را بر تبصره‌ی پیشنهادی جدید مجلس وارد می‌داند.

یوسف مولایی می‌گوید: «حق دفاع، جزو حقوق طبیعی و ذاتی هر متهم است و هر نوع محدودیتی در دسترسی متهم به وکیل مدافع، باعث تضییع و تضعیف حق دفاع متهم می‌شود و با اصل برائت که در قانون اساسی ایران آمده، مغایرت دارد. بنابراین حق داشتن وکیل، حق انتخاب وکیل و دسترسی به وکیل، اجزای حقوق دفاعی هر متهم است و نایستی هیچ محدودیتی برای دسترسی متهم به وکیل ایجاد شود. این مساله مغایر با اصول دادرسی عادلانه است ما باید همه امکانات را در اختیار متهم قرار بدهیم تا از خودش دفاع کند.»

یوسف مولایی می‌افزاید: «می‌بایست شرایطی برای متهم ایجاد شود که همه امکانات دفاعی در اختیارش

باشد. با وجود همه ادله و مدارکی که علیه متهم در دادسرا ارائه می‌شود، برخورداری از حق دفاع متهم توسط وکیل مدافع، با استفاده از اطلاعات قضایی در تمام دعاوی، اعم از کیفری و حقوقی و در تمام مراحل دادگاه‌ها با توجه به اصل برائت، جزو حقوق اساسی متهم به شمار می‌رود. بنابراین ممانعت از اعمال این حق و یا ایجاد هرگونه مانع و محدودیت نسبت به این حقوق قانونی مخالف اصل ۳۵ قانون اساسی است.»

او در پاسخ به این سوال که آیا پیش‌بینی می‌کند این طرح به تایید شورای نگهبان برسد یا خیر، می‌گوید: «هیچ چیز قابل پیش‌بینی نیست! تا در شورای نگهبان نرود، کسی نمی‌تواند پیش‌بینی کند. از نظر من، شرایط دفاعی متهم رعایت نشده است. این اصل در تمامی دنیا یک اصل جا افتاده و رعایت‌شده است. همان طور که گفتم، تمامی امکانات برای دفاع از حق متهم را باید در اختیار او قرار داد. در غیر این صورت، اجرای عدالت، عادلانه نیست. در حال حاضر هم هنوز طرح جدید، تعطیل نشده. بنابراین بخشنامه قبلی در حال اجراست.»

حقوق ما

ما از عدالت سهمی داریم
 دو هفته نامه الکترونیکی تخصصی حقوق بشر
 صاحب امتیاز و مدیر مسئول: سازمان حقوق بشر
 ایران/ محمود امیری مقدم
 سردبیر این شماره: مریم غفوری
 تماس با مجله: mail@iranhr.net

